هفته نامهٔ
مجاهد
وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً شان را به مسیر هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



مسلمان نباید از زمان خود عقب بماند، بلکه باید بر اساس فقه فرضی و تقدیری امام اعظم، از زمان خود چند گام پیش برود.

از سخنان رهبر شهید
در همایش تعیین اعضای کمیسیون تدارکٔ مجمع عمومی
۱۱ ثور سال ۱۳۹۰

دور ششم – سال دوازدهم – شمارهٔ هفتم ۲۱ ثور ۱۳۹۲ اول رجب ۱۴۳٤ - 11 May 2013

دیدار صلاح الدین ربانی با برخی نمایندگان مردم و کشورهایی بیرونی



صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح، طی هفتهٔ گذشته، با مقامات کشورهای بیرونی، نمایندهٔ ملکی ناتو، ورثهٔ شهداء، متنفذان و نمایندگان ولایتی دیدار نمود.

یکشنبه ۱۵ ثور سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح، با آقایان: سفیر نیجریا دودا دانلودی، سفیر آذربایجان داشجین مازی اوغلو شکروف، سفیر قطر، الرحمن الموودە، سفیر نیپال ای رودولفو مارتین دیدار و گفتگو نمود.

در این دیدار رئیس شورای عالی صلح، با سفرایی کشورهای متذکره در مورد پروسهٔ صلح و نیاز عمومی به این پدیده صحبت نموده و در مقابل مهمانان متذکره هر کدام حمایت شان را از این روند اعلام و وعدهٔ همکاری دادند. ص۳

روزجهانی آزادی مطبوعات و رسالت سرمدی آن

نذرالله عنایت

هر سال، سازمان ملل متحد، نهادهای وابسته به آن و بسیاری از کشورهای عضو روز سوم ماه می را به عنوان روز جهانی آزادی مطبوعات گرامی می دارند. این روز به منظور پاسداری از اصول اساسی آزادی مطبوعات، ارزیابی آزادی مطبوعات در سراسر جهان، دفاع از رسانه ها در برابر حملاتی که استقلال آنها را نشانه می گیرد و همچنین ادای احترام بهٔ روزنامه نگارانی که جان های خود را هنگام انجام وظیفه از دست داده اند، بنیان گذاری شده است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۳ میلادی، سوم ماه می را به عنوان روز جهانی آزادی مطبوعات به رسمیت شناخت و آنرا با اکثریت آراء تصویب کرد.

از این روز به عنوان یک فرصت مناسب برای آگاهی رسانی به شهروندان جهان در مورد نقش آزادی مطبوعات استفاده می شود.

بسیاری از فعالیت هایی که پیرامون برگزاری مراسم سوم ماه می روز جهانی آزادی مطبوعات روی می دهد، این واقعیت تلخ را به همه شهروندان جهان یاد آور می شود که شوربختانه هنوز هم در سدهٔ بسیت و یکم، در ده ها کشور جهان از جمله کشورهای پیرامونی انتشارات به سانسورهای جانکاه و خبرنگاران با انواع خشونت ها مواجه اند. ص۳

افغانستان و مشکل مرز با پاکستان

ابوبکر سبزوار

در چند هفتهٔ اخیر با ایجاد تنش در مرز میان افغانستان و پاکستان در منطقهٔ گوشته که حتی به درگیری مسلحانه میان نیروهای سرحدی دو کشور نیز انجامید، یکبار دیگر موضوع خط دیورند میان افغانستان و پاکستان در رسانه ها مطرح شد. زمانی که حامدکرزی پاکستان را متهم نمود که با تحرکات یک جانبه در مرز درصدد است تا موضوع دیورند را بر افغانستان بقبولاند، این مسئله در افغانستان ابعاد وسیع تری کسب کرد و به تظاهرات مردمی علیه پاکستان هم انجامید. زمانی که کرزی گفت وی به هیچ قیمتی حاضر به پذیرفتن خط دیورند نیست، برخی از اعضای اپوزیسیون سیاسی رئیس جمهور، وی را به عوام فریبی متهم کردند که می خواهد خود را قهرمان جلوه دهد و بعضی ها نیز گفتند که شرایط فعلی در افغانستان، برای مطرح کردن این مسئله مساعد نیست.

نطاق وزارت خارجهٔ پاکستان در جواب اظهارات رئیس جمهور کرزی گفت که پاکستان مسئلهٔ دیورند را یک موضوع حل شده می داند. موقف رسمی پاکستان اینست که این قرارداد را انگلیس ها با افغان ها در ۱۸۹۳ امضا کرده اند و بعد از تقسیم نیم قاره این مناطق بعنوان بخشی از کشور جدید التاسیس پاکستان توسط جامعهٔ جهانی به رسمیت شناخته شده است. درست است که پشتون ها با کشیده شدن این خط میان دو کشور تقسیم شده اند اما بسیاری از خطوط مرزی میان کشور ها، یک قوم را به دو پارچه یا چند پارچه تقسیم کرده اما این مسئله از مشروعیت خطوط مرزی نمی کاهد.

هرچند دانشمندان در مورد اصل و نسب قوم پشتون باهم اختلاف دارند اما در یک مسئله اتفاق نظر موجود است و آن اینکه این قوم از زمانه های دور در سرزمین کنونی خود زنده گی می کردند و در قرن چهارم قبل از میلاد که اسکندر به این منطقه لشکر کشید، با این قوم مجبور به جنگ شد. این ها مردمان کوه نشین اند که مناطق محل سکونت آنان بر سر راه گذرگاه های استراتژیک میان آسیای میانه و نیم قارهٔ هند موقعیت دارد.

این سرزمین تا پایان قرن نزدهم بخشی از قلمرو شاهان افغان بود که خود نیز پشتون تبار بودند اما با بقدرت رسیدن عبدالرحمان خان وضع ص۲



در اثر تلاش های امنیت ملی،
فرد انتحاری به جان دو تن رهبران اپوریسیون بازداشت شد

مسؤولان امنیت ملی گفته اند یک نفر انتحاری را که قصد داشت به جان دو تن از رهبران اپوزیسیون دولت افغانستان، حمله را انجام بدهد، جلوگیری کرده اند. ریاست امنیت ملی با انتشار اعلامیهٔ گفته است: "نیروهای امنیت ملی در یک اقدام خاص و به موقع، فردی را که قصد داشته بالای داکتر عبدالله عبدالله رهبر ائتلاف ملی و احمد ضیا مسعود رئیس جبههٔ ملی حمله کند، دستگیر کرده اند.

در این اعلامیه آمده است که فرد دستگیر شده نظیف الله نام دارد و اعتراف کرده دستور حمله را به او شورای کویتهٔ طالبان در پاکستان داده اند. همچنین آمده است که فرد دستگیر شده در مدرسهٔ کچه گری در شهر پیشاور درس می خوانده است.

مسؤولان امنیت ملی گفته اند که او ابتدا به مدت دو هفته توسط فردی در پیشاور آموزش استفاده از جلیقهٔ انفجاری دیده و پس از آن به فردی به نام مولوی قندهاری در کویتهٔ پاکستان معرفی شده است.

اطلاعاتی که در اعلامیهٔ امنیت ملی آمده، از فرد بازداشت شده نقل شده و مسؤولان امنیت ملی این سخنان را به عنوان اعترافات او منتشر کرده اند. امنیت ملی نوار ویدیویی از اعترافات این شخص را نیز منتشر کرده است.

رهبران اپوزیسیون حکومت که سابقهٔ دشمنی و مقاومت را در برابر اشغال طالبان دارند، پیش از این نیز در اظهارات خود گفته بودند که نام آنها در فهرستی قرار دارد که تروریسم بین المللی در پی از بین بردن شان هستند.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: وزیر محمد اکبرخان سرک ۱۵کوچه B5 خانه نمبر ۲۶۲
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸٤۰۸٦۳۵/ ۰۷۷۲۰۳٦٤۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

به چالش های مرزی از مجاری دیپلوماتیک پایان بخشیده شود

جنجال مرزی، تروریسم و افراط گرایی از جمله چالش هایی عمومی و حل ناشده میان هر دو کشور افغانستان و پاکستان است. این جنجال ها به صورت مقطعی سالهاست در عرصه های گونه گون ایجاد تنش می نماید و صدمهٔ کلان آن را شهروندان کشورما متحمل می شوند. وزارت امور خارجهٔ کشور در اظهارات اخیرش، ریشهٔ این مشکلات را در خاک پاکستان وانمود کرد و رئیس جمهور کرزی نیز در پی تنش های اخیر میان دو کشور درگوشتهٔ ننگرهار، با انتقاد از پاکستان، در مورد خط دیورند اظهار داشت که، کشورش هرگز این خط را به رسمیت نخواهد شناخت. در حالی که پاکستان مسئلهٔ این خط را حل شده اعلام داشته است.

تنش هایی تازه زمانی اوج گرفت که نیروهای کشور همسایهٔ جنوبی (پاکستان) تأسیسات و دروازهٔ را در ولسوالی مرزی گوشته در ولایت ننگرهار اعمار کرد. این اقدام پاکستان تجاوز آشکارا به تمامیت ارضی کشور محسوب می شود. این مسئله خشم مردم و نیروهای امنیتی کشور را بر انگیخت که به درگیری مسلحانه میان دو طرف انجامید. در دو درگیری، نیروهای امنیتی و دفاعی کشور توانستند نیروهای کشور همسایه را از ساحه به عقب برانند. ضمن تقدیر از شهامت نیروهای امنیتی و دفاعی کشور، آنکه به خاطر دفاع از تمامیت ارضی کشور شجاعانه به دفاع برخاست و اندرین راه شهید شد جایگاهش را بهشت برین می خواهیم و به زخمی های این رویداد ها از بارگاه خداوند شفای عاجل مسئلت می نماییم.

حمایت های مردمی نشان داد، ما ملت واحدی هستیم که در برابر متجاوزین، متحدانه و ایثارگرانه بپا می خیزیم که تاریخ نیز گواه این ادعاست. دوره های افتخار آفرین جهاد و مقاومت را نسل حاضر و جهانیان چون آیینهٔ تمام نمای در حافظه دارند.

افغانستان که از چهار دهه بدینسو از جنگ و نا امنی رنج می کشد و شهروندان درد دیدهٔ این مرزبوم منتظر اند بارقهٔ صلح از کدام روزنه ای بر چشمان شان خواهد تابید، در حالی که نقش پاکستان را در آوردن صلح و ثبات کشور و منطقه موثر می پندارند، با تنش جدید آنهم مسلحانه، رسیدن به صلح را دشوار پیش بینی می نمایند.

اینکه نیروهای امنیتی و دفاعی و مردم افغانستان توانایی رویارویی با کشور همسایه را دارند و یا نه، مورد بحث نیست. اما ما که درد آشنای جنگ ایم، درگیری مسلحانه را راه حل رسیدن به قضایا نمی بینیم. از دولت افغانستان می طلبیم تا مشکل مرزی و سایر مسایلی که بر تمامیت ارضی و منافع ملی و ارزش های دینی و میهنی ما ارتباط می گیرد از طریق نشست و مذاکره و از مجاری دیپلوماتیک و در نهایت از طریق سازمان ملل متحد به حل معضله بپردازد. در جنگ و صلح، حساب شده عمل نماید نه احساساتی!

هرگاه این تنش ها با کشور همسایهٔ جنوبی ادامه پیدا نماید، نا امنی تشدید و بر چالش ها خواهد افزود. زیرا علاوه بر آن، کشور و مردم ما چالش ها و نگرانی های دیگری را نیز پیش رو دارند. با وجود تلاش ها، به صلح با پایه های وسیع آن دست نیافته ایم، نیروهای خارجی که به منظور مبارزه با تروریسم در اواخر سال ۱۳۸۰ هـ . خ به افغانستان آمده بودند – بدون اینکه به نا امنی و محو ریشه های تروریسم نقطهٔ پایان بگذارد – قرار است در اواخر سال ۱۳۹۲ هـ . خ افغانستان را ترک نمایند و امنیت کشور و مردم را نیروهای امنیتی افغانستان به عهده بگیرند. در اوایل سال ۱۳۹۳ باید برای تعیین زعامت سیاسی کشور انتخابات برگزار شود، این ها از امور مهمی است که باید دولت و مردم افغانستان از این آزمون ها موفق بدر آیند.

افغانستان و مشکل مرز با پاکستان

ادامه از صفحهٔ اول

تغییر کرد. امیر عبدالرحمان نمی توانست از راه زور مردم قبایل را مطیع سازد و درعین حال انگلیس ها که از ضعف حکومت مرکزی در کابل مطلع بودند، خواستار آن شدند که امیر ادارهٔ این مناطق را به آنان بسپارد. مردم قبایل بخصوص وزیری ها چنین نمی خواستند اما امیر به فرستاده های آنان گفت چون شما بجای اطاعت از پادشاه تان از ملا ها اطاعت می کنید و من شما را «عاق» کرده ام! افغان ها ادعا دارند که خط دیورند یک خط تحمیلی است که توسط امیرعبدالرحمان خان پادشاه دست نشاندهٔ خود انگلیس ها امضا گردیده است. این امیر که بعد از جنگ دوم افغان و انگلیس در ۱۸۸۰ میلادی بقدرت رسانیده شد وسیله ای بود تا سیاست «فارود پالیسی» انگلیس را در این منطقه به پیش ببرد. این سیاست از قبل آغاز گردیده بود به این شکل که انگیس ها در سال ۱۸۷۷ مناطق دیر، صوات، چترال و باجور را به قلمرو هند بریتانوی شامل ساختند و در ۱۸۷۹ معاهدهٔ گندمک را با امیر یعقوب خان به امضا رسانیدند که به موجب آن، کنترول درهٔ سوق الجیشی خیبر را همراه با مناطقی در سرزمین بلوچ ها چون لورلائی، ژوپ، پشین، نوشکی و کویته را بدست آوردند و در آنجا پایگاه های نظامی اعمار نمودند. به این ترتیب افغانستان از دسترسی به بحر آزاد محروم ساخته شد. در سال ۱۸۹۳ به عبدالرحمان خان پیشنهاد نمودند تا با خط جدید مرزی با هند موافقت نماید اما وقتی امیر در این رابطه مقاومت نشان داد، صدور اسلحه به دولت افغانستان را ممنوع کردند. این درشرایطی بود که حکومت کابل به قیام مردم قبایل بخاطر سیاست های سرکوبگرانهٔ امیرعبدالرحمان خان مواجه بود و به این اسلحه سخت نیاز داشت.

از طرف دیگر شواهد روشن نشان از آن دارد که انگلیس ها در زمان امضای قرارداد، خط دیورند را بعنوان سرحد رسمی که به موجب آن قلمرو حاکمیت یک کشور به پایان می رسد و حاکمیت طرف دیگر آغاز می گردد نمی شناختند (یا لااقل در آن زمان چنین وانمود می کردند) و اسناد دست داشته از آن دوران نشان می دهد که ادارهٔ انگلیس در هند در آن زمان این خط را یک خط سرحدی بین المللی نمی داند. گزارش ۱۰ جولای ۱۸۹۴ از جانب حکومت هند به لندن تصریح شده است که «ما می دانیم حکومت علیا حضرت به این نظر موافقت می نمایند در حالی که ما منکر هرگونه قصد برای الحاق مناطق قبایلی می باشیم. آرزو داریم تا قبایل را که این فیصله مربوط آن هاست، بیشتر تحت نفوذ خود بیاوریم.»

ده ها سال بعد از امضای معاهدهٔ دیورند در سال ۱۹۲۵ یک نشریهٔ رسمی اردوی بریتانیا نوشت که «خط دیورند در موافقتنامهٔ ۱۸۹۳ خط مرزی نیست بلکه به عنوان مرز شرقی و جنوبی قلمروهای امیر و حدود حوزه های نفوذ مربوط به هر دو حکومت توصیف شده و هدف آن توسعهٔ سلطهٔ بریتانیا بوده است نه گسترش مرزهای هندوستان».

از آنچه گفته شد چنین بر می آید که عبدالرحمان خان و انگلیس ها لااقل در یک مورد نگرانی مشترک داشتند و آن هم سرکشی قبایلی پشتون بود که امیر می خواست از شر آنان راحت شود و انگلیس ها هم می خواستند رسما این مناطق بحیث ساحهٔ نفوذ آنان شناخته شود تا از سرکشی های آنان که حاکمیت بریتانیا را در هند تهدید می کرد جلوگیری نمایند. (شاید به همین دلیل بجای Border به معنی مرز جغرافیائی سیاسی، واژهء Frontier را استفاده کردند که می تواند به معنی منطقهٔ مرزی تعبیر گردد).

این حقیقت را نیز نباید فراموش کرد که شاهان مستبد افغان برای بقای تاج و تخت خویش از هیچ خیانت به ملت دریغ نورزیدند و عبدالرحمان هم به این باور بود که ادارهٔ یک کشور کوچک در مقایسه با کشوری بزرگ با مردمی که تسلیم زور نمی شدند بهتر بود. او با امضای قرارداد دیورند با انگلیس ها، مناطق پشتون نشین را به دو منطقه تقسیم کرد. حوزهٔ رود کنر با این خط تقسیم شدند و قبایلی چون مهمند، افریدی، وزیری وغیره که در این مناطق سکونت داشتند، با امضای قرارداد دیورند از هم جدا گردیدند اما نقشه ای که دیورند برای این سرحد کشید، در همه جا با اراضی تطبیق نشد و به همین دلیل در بسیاری از مناطق این خط نامشخص باقی ماند.

در سال ۱۹۰۱ انگلیس ها تغییرات اداری را در آنسوی دیورند بوجود آوردند و بخش هائی از سرحد شمال غربی را به نام صوبهٔ سرحد از ایالت پنجاب جدا کردند. مناطق پرجمعیت تر تحت ادارهٔ واحد های جدید اداری قرار گرفت اما مناطق قبایلی توسط نماینده گان سیاسی (پولیکل اجنت) که از طرف حکومت مرکزی تعیین می شد و مستقیما به حکومت مرکزی گزارش می داد، اداره می شد. این مسئله موجب تشدید مقاومت در این مناطق علیه انگلیس ها گردید و مردم خواهان خود مختاری گردیدند. این وضع در زمان سلطنت امیر حبیب الله خان ادامه یافت اما دولت افغانستان فقط به دادن اعانه به سران قبایل اکتفا کرد و از حرکت های آزادی طلبانهٔ مردم بصورت جدی حمایتی انجام نداد.

در سال ۱۹۱۹ شاه امان الله خان در افغانستان بقدرت رسید و با تحرکات نظامی علیه سلطهٔ انگلیس بر افغانستان سرانجام انگلیس ها را وادار ساخت تا استقلال افغانستان را برسمیت بشناسند. در آخرین جنگ افغان و انگلیس مردم قبایل آنسوی دیورند سهم مهم وسرنوشت سازی را بعهده گرفتند. در حقیقت ترس از گسترش دامنهٔ قیام مردم قبایل و چالش های ناشی از آن برای هند بریتانوی بود که انگلیس ها را وادار ساخت تا استقلال افغانستان را برسمیت بشناسند.

حق خود ارادیت برای برادران پشتون و بلوچ:

افغانستان ادعای ارضی بر مناطق ماورای دیورند ندارد بلکه، لااقل از ۱۹۳۰ میلادی به بعد از حق خود ارادیت برای برادران پشتون و بلوچ در چهارچوب تشکلی به نام پشتونستان سخن گفته است.

در سال ۱۹٤۷ هند آزادی گرفت اما به دو کشور هند و پاکستان تقسیم شد و مناطق ماورای دیورند بخشی از پاکستان بشمار آمد. افغانستان در ابتدا با عضویت پاکستان در سازمان ملل متحد مخالفت کرد اما بزودی از این مخالفت دست برداشت. پاکستان برای مقابله با اتحاد شوروی در دوران جنگ سرد ایجاد شد تا مانع پیش قدمی شوروی بسوی جنوب گردد.

در دوران جنگ سرد، دو کشور هندوستان و اتحاد شوروی از داعیهٔ پشتونستان خواهی حکومت افغانستان پشتیبانی می کردند. روس ها بخاطر حضور امریکا در پاکستان و هند به دلیل دشمنی با این کشور. اما در افغانستان هیچ تعریف روشنی از موضع افغانستان در قبال دیورند وجود نداشت.

بعد از کودتای ثور:

نابسامانی های بعد از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ موجب شد تا اکثر پاسگاه های مرزی افغانستان در امتداد دیورند از میان برود و نیروهای پاکستانی هم فرصت را برای پیشروی بداخل خاک افغانستان مساعد بیابند. پاکستانی ها از سال ها قبل در تلاش بودند تا مردم روستا های نزدیک مرز را تشویق به اخذ تابعیت پاکستان نمایند. فراهم ساختن خدمات عامه چون برق، مکتب و شفاخانه برای آنان یکی از وسایل تشویقی بود. مردم مرز نشین که می بینند در طول یازده سال گذشته با وجود آمدن میلیاردها دالر کمک جهانی به افغانستان، کاری در جهت بهبود زنده گی شان صورت نگرفت، امید خود از افغانستان را از دست می دهند و به این ترتیب پاکستان می خواهد این ادعا را که دیورند اقوام دوسوی خط را از هم جدا ساخته است، کمرنگ بسازد. رسیدن به رودخانهٔ کنر هدف دیگر است که پاکستان بدنبال آن است. رودخانهٔ کنر از شاهرگ های مهم حیاتی زراعت و اقتصاد پاکستان را تشکیل می دهد و پاکستان نگران است مبادا افغانستان با اعمار بند آبگردان بر این رودخانه، آب آنرا مهار نماید. تحرکات اخیر پاکستان در منطقهٔ گوشته را می توان بخشی از همین تلاش ها دانست.

مرز نامشخص:

بعد از حملهٔ امریکا به افغانستان، مشکل لانه های تروریسم در آنسوی مرز همیشه مورد انتقاد دولت افغانستان بوده است اما بهانهٔ پاکستانی ها در برابر امریکا این بوده که مرز میان افغانستان و پاکستان مشخص نیست و افغانستان این مرز را نمی پذیرد.

از جانب دیگر در طول یازده سال گذشته افغانستان همیشه به وجود لانه های تروریست ها در داخل خاک پاکستان تاکید داشته که مشخصا منظور مقامات افغان، مناطق قبایلی آنسوی دیورند بوده است. بنابراین افغانستان دیورند را در عمل بعنوان خط سرحدی میان دوکشور قبول دارد اما بصورت رسمی نمی خواهد به آن اعتراف نماید. جامعهٔ جهانی هم دیورند را بعنوان مرز میان افغانستان و پاکستان برسمیت می شناسد چنانچه در واقعهٔ حمله هلی کوپتر امریکائی به یک پاسگاه مرزی روابط میان امریکا و پاکستان برای چندین ماه به سرد ترین حد خویش رسید و پاکستان راه اکمالاتی ناتو را مسدود ساخت. یعنی امریکا پذیرفت که این حمله به قلمرو پاکستان صورت گرفته است. باید این مسئله را پذیرفت که مرز مشترک میان دو کشور همسایه یک اصل قبول شده در جهان است و افغانستان هم نمی تواند برای ابد وضع موجود را حفظ نماید. باید خطی میان دو کشور وجود داشته باشد که بصورت رسمی قلمرو افغانستان در آنجا به پایان برسد و قلمرو پاکستان آغاز گردد. اما مشکل اینست که پاکستان مسئلهٔ دیورند را یکصد و بیست سال قبل به پایان رسیده می داند اما در افغانستان خیلی ها به این باور اند که هنوز زمان مطرح شدن این مسئله با پاکستان فرا نرسیده است. ما باید به اندازهٔ لازم قدرتمند گردیم تا بتوانیم این معضل را با پاکستان مطابق به منافع ملی خود حل کنیم.

ماجرای گوشته نشان داد که دوام این وضع با توجه به پراکندگی های موجود در افغانستان، و نامشخص بودن مرز بهانه ای برای حملات راکتی و پیشروی های بیشتر از جانب پاکستان بداخل خاک افغانستان خواهد بود. این امید که امضای قرارداد های استراتژیک با کشور های دیگر و حتی حضور سربازان خارجی در پایگاه های نظامی در داخل خاک افغانستان هیچ گرهی از این مشکل حل نخواهد کرد. این مشکل زمانی حل می شود که افغان ها به صلح برسند و با هم متحد گردند اما تا امروز هیچ دولتی در افغانستان جرئت نکرده است تا قدمی بسوی حل این مشکل با پاکستان بردارد.

دیدار صلاح الدین ربانی با نمایندگان مردم و کشورهایی بیرونی



صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی و رئیس شورای عالی صلح در دیدار با نمایندهٔ ملکی ناتو



صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی و رئیس شورای عالی صلح در دیدار ، با فرزند شهید جنرال داوود داوود



صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی و رئیس شورای عالی صلح در دیدار با برخی متنفذین قومی بدخشان

دوشنبه ۱۶ ثور ۱۳۹۲ سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح با آقای موریتس یوخمیز، نمایندهٔ ملکی ناتو در افغانستان نیز دیدار وگفتگو کرد. طرفین روی موضوعات صلح و جنگ، پروسهٔ انتقال و آیندهٔ کشور پس از سال ۲۰۱۴ بحث و گفتگو نمودند.

سرپرست جمعیت روز سه شنبه ۱۷ ثور ۱۳۹۲ با جمعی از متنفذین ولایت بدخشان دیدار و گفتگو کرد. نمایندگان مردم با پیشکش نمودن مشکلات و چالش های ولایت بدخشان، از تمام شخصیت های مقیم بدخشان در کابل به ویژه صلاح الدین ربانی، خواستند تا حکومت افغانستان را متوجه سازند، به نارسایی ها و کمبودی های محلی شان رسیدگی صورت گیرد. درمقابل آقای ربانی ضمن تشکر و قدردانی از زحمات و قربانی های مردم بدخشان به آنها وعده داد تا در رفع مشکلات شان با تماس به نهاد هایی ذیربط و مسؤول، کمک و همکاری می نمایند.

به سلسلهٔ دیدار ها رئیس شورای عالی صلح با ورثهٔ شهداء، از جمله فرزند ارشد شهید جنرال داوود داوود دیدار کرد. سرپرست جمعیت اسلامی نبود شهید جنرال داوود داوود را یک ضایعهٔ بزرگ برای افغانستان خواند و به فرزند دلبندش توصیه کرد، تا درجهت کسب علم و دانش تلاش های بیشتر نماید. در ضمن سرپرست جمعیت اسلامی به وی وعده داد، تا در این عرصه او را همکاری خواهند نمود.

روزجهانی آزادی مطبوعات و ...

وضعیت آزادی مطبوعات در کشور

درکشور خودمان که همواره حرف از آزادی مطبوعات زده شده است، اما دیده شده که دست اندرکاران مطبوعات، رسانه ها، به تهدید های مشابه مواجه بوده و در برخی موارد خبرنگاران دست از کار کشیده و به هیچ مرجعی از بیم به آینده مراجعه نکرده اند. نهادی موسوم به (نی) تنها طی سال اخیر بیش از ۷۶ مورد خشونت علیه خبرنگارن را ثبت کرده است که بیشترین این نوع خشونت ها توسط دولت صورت گرفته است.

در حالی که وزارت اطلاعات و فرهنگ، اتحادیهٔ ملی خبرنگاران، مدیران رسانه های آزاد، نمایندگان جامعهٔ مدنی این روز را گرامی داشتند، اما هنوز موانع زیاد بر سر راه فعالیت های خبرنگاران وجود دارد.

فرصت های رسانه یی

کشورهای دموکراتیک و مردم سالار به پرورش و توسعهٔ رسانه ها اهمیت قایل هستند. کوشش می شود که با استفاده از این ابزار به قدرت و سلطه تداوم بخشند. اگر از این منظر به افغانستان نگاه کنیم، بازار رسانه ها در کشورمان همچنان داغ است و بیشترین توجه در این عرصه تا هنوز شده است. ده ها رسانهٔ چاپی، سمعی و دیداری فعال می باشند و هر کدام نظر به سلیقه و سیاست های نشراتی خود به برنامه ها و تحولات کشور و منطقه نگاه می کنند. طی ۱۱ سال گذشته بزرگترین دستاورد حکومت افغانستان رشد کمی رسانه ها بوده است.

چالش های رسانه یی:

در یک نگاه کلی رسانه های کشور از ابعاد گوناگون قابل بررسی است، شکل و محتوا، اهداف و منابع تمویل، مخاطبان و توجه به اخلاق رسانهٔ از مواردی هستند که باید به آن توجه نمود و در یک آسیب شناسی کار شناسانه به تحلیل و تجزیه پرداخت.

از نقطه نظرکمی، با آنکه رسانه ها در کشور مایهٔ امیدواری بوده، اما برخی از این رسانه ها به دلیل نداشتن کیفیت در محتوا و شکل، رضایت بخش به نظر نمی رسند. عدم رعایت شاخص کیفیت اعم از چاپی، تصویری و شنیداری باعث شده است مخاطبان راضی نباشند. زیرا ارائهٔ پیام به مخاطب از فعالیت های عمدهٔ رسانه به حساب می آید و کارگزاران آن بایستی در پهلوی گزینش و ارائهٔ پیام مطابق به نیازهای روانی و فکری جامعه، مطلب و ژانر مطبوعاتی در واقع تولید کنند.

رسالت مطبوعات:

حسن قندی یکتن از روزنامه نگاران ایران می گوید: " روزنامه نگاری ابزاری برای جامعه سازی به حساب می آید و یک رسانه بایستی تا حد امکان موضوعاتی را ارائه کند که در بهبود فرهنگ و زندگی مردم آن جامعه تأثیراتی مثبت داشته باشد.

رسانه ها مسؤولیت بزرگی نسبت به جامعه دارند، توجه به اخلاق رسانهٔ، دقت به فرهنگ و تاریخ مردم، در نظرگرفتن شخصیت اشخاص حقوقی و حکمی، پخش و نشر برنامه های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از مسؤولیت های واقعی یک خبرنگار حرفهٔ به حساب می آید.آن گونه که گفته اند مطبوعات قوهٔ چهارم دموکراسی است و بعضی ها آن را غذای افکار عمومی می دانند. پس لازم است رسانه های افغانستان رسالتمندانه عمل نموده ذهنیت عامه و باورهای سرمدی مردم را هنگام پخش یک مطلب ملحوظ داشته باشند.

حوزهٔ فعالیت رسانه ها:

حوزه فعالیت رسانه های همگانی افکار عامهٔ مردم است. مردمی که تیپ های مختلف را در بر می گیرد. یک رسانه مسؤولیت دارد هنگام پخش و نشر یک پیام مردم را از لحاظ سنی، جنسی، مذهبی و حتی زبانی تقسیم بندی نماید و حساسیت مردم را هنگام انتقال پیام در نظر داشته باشد.

چیزی که متأسفانه شماری از رسانه های کشور، به آنها توجه نکرده و تنها به فکر منفعت کشی و منبع مالی هستند. خیلی دیده شده است که پخش و نشر برنامه های مبتذل، دور از اخلاق و چیزهای که اصلن برای مخاطب دیگر نقاط دنیا ساخته شده است، توسط رسانه های افغانستان به نشر رسیده است.

پاکستان کې ټاکنیز بهیر ، گوابنونه ...

وویستل شي چې دځینو رسنیو لیاري پدې وروستیو کې د طالبانو لخوا دنوموړي د تبنتولو هڅو راپورهم ددې هڅو یوه کړۍ ښکاري . او په اصل کې دنوموړي پاکستان ته پداسې شرایطو کې راتگ ښايي د لویدیځې نړۍ په اند دپاکستان دخلکو گوند یو بدیل ثابت شي چې په پاکستاني ولس کې یې د ډراون الوتکو په بمباریو دامریکاسره دپټو معاهدو په سر شهرت خراب شوی دی . خو مشرف چې په یووخت کې د پاکستان دغټو سیاسي گوندونو لکه دخلکو گوند ، دنوازشریف مسلم لیگ ، او نورو اسلامپالو گوندونو سره ددښمنۍ تر څنگه دپاکستان دمحکمې سره هم دښمني لري او په پاکستاني پوځ کې یې هم د لال جومات په پېښه کې اعتبار خراب شوی ، پاکستان ته د نوموړي راتگ غټه سیاسي اشتباه وه چې یې کړې ده خو معمولا نظامي خلك دسیاست پرځاې د سرزورۍ منطق لري . البته دنوموړي سیاسي ناکامي چې یقیني شوې هم ده ، دپاکستان لپاره یوه گټه لري چې په سیاست کې دپوځي جنرالانو دبرخې اخستلو او لاسوهنې سیاست ته به دپای ټکی کېښېږدي .

خواوس چې په پاکستان کې دټاکنو سیالۍ خپل آخري پړاوو ته داخلې شوې ، که چېرې ټاکنې ترسره نشي او یا د نا امنۍ پېښې دټاکنو د ترسره کېدو پورې ډېرې زیاتې شي نو په ټاکنو کې د گډون سلنه به دومره ټیټه شي چې د راتلونکې حکومت مشروعیت به هم دپوښتنې لاندې راشي او ورسره به د پاکستان سیاسي راتلونکې تر پوښتنې لاندې راولي ، نو څکه پاکستان اړدی چې باید په ناامنیو باندې دغلبې موندلو لپاره خپلې بېرونۍ اړیکې او دگاونډویانو سره سیاست سوله ایز کړي . پداسې حال کې چې پاکستان تر اوسه دگوشتې په سیمه کې دخپلې دروازې د لیرې کولو تابیا نده نیولې . نو څکه مناسبه ده چې که دا مهال په نړیواله سطحه باندې هر څومره فشار په پاکستان راوستلی شي ، دافغانانو په گټه ده .

او په پاکستان کې د ټاکنو دپایلو په اړه ښايي ، دپاکستان دپخواني گوندي موقعیتي ویش پربنیاد په پنجاب کې دنواز شریف ، په سندھ کې د خلکو گوند او دمهاجرینو قومي اتحاد په گډه ډېری څوکې وگټي او په سرحد آیالت کې په عامه توگه او دملاکنډ څخه پورته سیمو کې په خاصه توگه او ځینو نورو قبایلي سیمو کې به جماعت اسلامي اود عمران خان لخوااعلان شوی تنسیق دواړو ته او هم په بلوچستان آیالت کې د محمود خان اڅکزي گوند سره د جماعت اسلامي تنسیق نوموړي ته گټه ډېره گټه ورسوي ، چې پدې ترتیب دا ځل یو گوند هم دروند اکثریت لاسته نشي راوړلاې ؛ بلکې دعمران خان نوی مطرح شوی گوند به دخلکو گوند ، مسلم لیگ او عوامي نشنل گوند ځینې حلقې خپلې کړي چې پدې لړکې دپېښور لومړۍ حلقه چې اولس مطرح نوماندان پکې مقابله لري ، زیات اټکل کیږي چې دعمران خان او ورسره نورو کاندیدانو تر مینځه پکې سخته مقابله وشي او دجماعت اسلامی او محمود خان اڅکزي دواړه نظریاتی ډلو تر مینځه په بلوچستان کې تنسیق ، د دواړو نوې تجربه گڼل کیږي ښايي چې دپاکستان په راتلونکې سیاست کې د دواړو گوندونو په گټه تمامه شي .

جمعیت اسلامی، بعد از دهه ها، یک جمعیت است!

نوشتهٔ: همنوا

در مورد جلسهٔ احزاب سیاسی و شخصیت های ملی و سیاسی با شورای عالی صلح، مطلبی پیش از این به نشر رسید. آنچه که در این جلسه قابل یاددهانی است، نام احزاب و تشکل های سیاسی است که با حفظ احترام به همه احزاب سیاسی، قابل تذکر می دانیم:

در نشست مذکور نمایندهٔ حزب اسلامی افغانستان تحت رهبری آقای ارغندیوال شرکت کرده بود. همچنین یک نماینده از آقای حکمتیار یادآوری نمود و شرکت او را در همچو جلسات لازم دانست. آقای سباوون به حیث رهبر حزب اسلامی متحد افغانستان، سخنرانی کرد که در جمله سه نفر از حزب اسلامی سخن گفتند و به وضوح نشان داد که آنچه به نام حزب اسلامی افغانستان شهرت دارد، در واقع سه حزب است که همچنان حضور دارند!

الحاج دین محمد خان، از حزب اسلامی تحت رهبری مرحوم مولوی محمد یونس خالص یاد کرد و خود را نماینده و یا رهبر آن گروه اعلام نمود که در حقیقت، چهار گروه به نام حزب اسلامی افغانستان، در آن جلسه حضور داشتند! همچنین داکتر انورالحق احدی که سال ها به حیث رهبر حزب افغان ملت، شهرت داشت، نیز در جلسه سخن گفت و فردی به نام شیرزاد نیز به عنوان رهبر افغان ملت، بیانیه داد!

بعضی از گروهک ها، اصلاً وجود نداشتند... یا این است که پس از فوت رهبری آن گروه، تشکیلات شان از هم پاشیده و یا مانند گروهک های تازه به دنیا آمده و از بقای گروه های قبلی، پس از تشکیل و اعلام موجودیت، دوباره راه انشعاب و چند پارچگی را در پیش گرفته و اصلاً کسی برای بیان موقف آن گروه وجود ندارد!

رئیس دارالانشای جمعیت اسلامی افغانستان در آن جلسه سخن گفت و این نمایندگی نشان داد که در واقع، جمعیت اسلامی افغانستان، پس از دهه ها، هنوز هم یک جمعیت است و هرگز گروهی به همین نام در صحنهٔ سیاسی افغانستان، ظاهر نشده است!

ریشه های اختلاف:

ما از ریشه های اختلاف، میان گروه های یاد شده، حرف نمی زنیم ولی متذکر می شویم که اختلافات در سطوح مختلف در تنظیم های و احزاب سیاسی، وجود می داشته باشد و اصلاً وجود اختلاف و یا تفاوت دید گاه ها و اظهار نظر ها میان کدر رهبری گروه ها، یک موضوع عادی و قابل تحمل است.

آنچه که به راه حل اختلافات ارتباط می گیرد، باید گفت که رهبری گروه ها و احزاب و طرز مدیریت ارکان و اعضای گروه، بیش از همه مورد توجه ما و مردم است و اتحاد و یکپارچگی گروه و حزب نیز وابسته به این امر مهم است!

ما در حالی که به گروه ها و احزاب دیگر احترام داریم و دید و نظر و موقف شان را قانونی می دانیم، اما اعتراف می کنیم که وحدت و یکپارچگی جمعیت اسلامی نیز با دغدغه ها و مشکلات زیاد همراه بوده است...

جمعیت اسلامی و تفاوت دیدها:

در مواضع مهم سیاسی جمعیت اسلامی، در برابر قضایا و رویدادهای مهم کشور نیز اتحاد و یکپارچگی لازم دیده نشد!

جمعیت اسلامی نتوانست که حتی در رهبری استاد شهید، برای مقام ریاست جمهوری کاندیدای متفق را معرفی و از آن پشتیبانی نماید! گرچه رهبری جمعیت در یک شورا و به اتفاق نظر، حمایت خویش را از دکتور عبدالله عبدالله برای احراز مقام ریاست جمهوری اعلام نموده بود.

پنهان نباید کرد که رهبر شهید جمعیت نیز در آن شورا، با طرحی دیگر آمده بودند و در برابر یک سوال به اعضای شورا گفتند که، آیا شما کسی را سراغ دارید که برای این پست در نظر بگیریم؟ و سوال کننده نیز از دکتور عبدالله نام گرفت و اصلاً دیداری با موصوف نداشت و اصلاً مطلع نبود که نامبرده حاضر به نامزدی است یا نیست!

از این حکایت به یک مطلب مهم دیگر می رسیم و آن احترام مقام رهبری جمعیت اسلامی به نظر و رأی دیگران است! رهبر شهید جمعیت می توانست در آن جلسه و یا همه جلسات با تحکم و قاطعیت، حکم نماید که تجربهٔ من از زندگی سیاسی در کشور اینست که فلان شخص باید نامزد این مقام باشد و شما نیز از او حمایت کنید و کار و مبارزهٔ و کمپاین را آغاز نمایید... اما رهبر شهید و خردمند جمعیت اسلامی هرگز چنین امری را صادر نکرده و همواره به اعضای شورا اجازه داد که طرح ها و نظریات شان را بگویند و جناب رهبر نیز، با صواب دید طرح ها و نظریات دیگران، با وجود علم و تجربهٔ کافی حاضر شده تا نظر دیگران را بپذیرد و به آن تن دهد! این بزرگترین مشخصهٔ رهبری استاد شهید است و همچنین خصلت ممتاز بوده که جای و مقام او را در دل های میلیون ها انسان باز کرده و مورد ستایش و احترام قرار داده است! بنابر این، تحمل، وسعت نظر و دور اندیشی استاد شهید، تمام راه های اختلاف و چند پارچگی را بسته و همه کسانی که در سطوح بالا و پائین جمعیت، دچار اندک رنجی و اختلاف با جمعیت شده اند و سال ها را ه های دیگر را پیموده اند، اجازه داده است که دوباره برگردند و جمعیت را آغوش پرمهر خویش بدانند!

کسانی که تاریخ جمعیت اسلامی افغانستان را مطالعه کرده اند و با افراد و شخصیت های جمعیت در سطوح مختلف آشنایی دارند، به خوبی می دانند که افراد مهم جمعیت از شورای اجرائیه و شورای عالی و حتی منشی سابق جمعیت، سال ها از جمعیت به دور بوده و سر انجام پس از سال ها دوباره به جمعیت برگشته و جمعیت را خانهٔ خویش دانسته اند!

رهبر شهید جمعیت، با تنگ نظری و جزمیت مخالف بودند و نخواستند به نام «قاطعیت» افراد جمعیت را عقده مند سازند و راه ضد و کینه با جمعیت را در پیش گیرند!

رهبر شهید جمعیت به خوبی می دانستند و اظهار می کردند که این رنجش ها و دوری ها موقتی است و این افراد دیر یا زود به دامان جمعیت باز می گردند. راه آشتی و دوستی، یک راه باز و در همه حال پر رهرو است و به مراجین و شکوه کنندگان، اطمینان می دادند که ناراحت نشوید و وقت در اختیار تان است...

در تاریخ جمعیت اسلامی، هرگز دیده نشده که مقام رهبری با همچو افراد، برخورد خشن و زننده داشته و موجبات فرار و گریز آن ها را آماده ساخته باشد! حتی برادران دور شده را هنگام ملاقات با تبسم و پیشانی باز و آغوش گرم می پذیرفتند و این از عجایب روزگار ما و از شیوهٔ خاص رهبری استاد شهید بوده است. موضوع انتخابات ریاست جمهوری دورهٔ گذشته، نیز یکی از این نوع دوری ها و تفاوت دیدها بود. در آن دوره با آنکه رهبری جمعیت حمایت آشکار خود را از دوکتور عبدالله اعلام داشت و در سراسر افغانستان، افراد جمعیت از نامزدی موصوف حمایت کردند و حتی گفته می شود که بیش از هفتاد درصد حمایت از او، مرهون جانبداری رهبری جمعیت بوده است... ولی شخصیت های مهم کشور و افرادی که امروز در رده های بالای مقام دولت هستند، با نظر رهبری جمعیت موافق نبودند و حمایت شان را علنی از رئیس جمهور فعلی اعلان نمودند! این یک چالش بزرگ نزد جمعیت و رهبری آن بود و امکان داشت که مانند سایر گروه ها و احزاب، کار به اختلاف و جدایی برسد، اما رهبر شهید، طرح ها و دیدهای این افراد را شنید و رابطهٔ خویش را با آنان قطع نکرد و به مرور زمان همهٔ این افراد، دوباره به دور رهبرشهید جمعیت شدند و جمعیت اسلامی افغانستان، دوباره همان جمعیت بود که هست و تاکنون، راه اختلاف و چند دستگی در آن به وجود نیامده است.

ضرورت مبارزه برای حفظ یکپارچگی:

پس از شهادت رهبر جمعیت اسلامی، رهبر جهاد و مقاومت و رئیس شورای عالی صلح، شورای رهبری جمعیت اسلامی افغانستان که به امضای رهبر شهید در دارالانشای جمعیت اسلامی موجود است و همگان از آن اطلاع دارند، به صورت فوری تشکیل جلسه داد و سوال جاگزینی رهبری جمعیت را مطرح ساخت. همه اعضای شورای رهبری که اصلاً نامزد برای این مقام نبودند، موضوع را با بزرگان جمعیت (اعضای شورای رهبری خارج از حلقهٔ فعال) مطرح نمودند تا نظر آن ها را نیز در تصویب جایگزین با خود داشته باشند... این تماس ها به زودی گرفته شد و به صورت حضوری و شفوی (تلفنی) نظر همه برادران جمع و به اتفاق آرا، فیصله گردید که فرزند ارشد رهبر جمعیت اسلامی افغانستان، محترم صلاح الدین ربانی تا برگزاری کنگرهٔ عمومی یا مجمع عمومی جمعیت، به حیث سرپرست برگزیده شود و چنین نیز شد و هرگز صدایی و مخالفتی شنیده نشد و امروز که به برگزاری کنگره نزدیک شده ایم و مدت یکسال و نیم از فیصلهٔ ما می گذرد، ایشان به حیث سرپرست جمعیت همه امور را اداره می نمایند.

گفتنی است که چند ماه قبل از شهادت رهبر جمعیت اسلامی، موصوف طی حکمی به دارالانشاء وظیفه سپردند تا از شخصیت های مهم دولتی کشور تقاضا به عمل آید که برای کمیسیون برگزاری کنگرهٔ جمعیت اسلامی افغانستان، نماینده گانی را معرفی دارند و همان بود که دارالانشاء طی مکاتیب رسمی از ذوات محترم هریک: محترم مارشال محمد قسیم فهیم، محترم استاد عطا محمد نور، محترم امیر محمد اسماعیل خان، محترم دکتور عبدالله عبدالله و محترم محمد یونس قانونی، خواستند تا فرد یا افرادی را به نمایندگی از خود به کمیسیون برگزاری معرفی دارند. در یک روز، رئیس دارالانشاء به معیت تعدادی از اعضای جمعیت نزد ذوات یاد شده رفته، مکاتیب را تسلیم و نماینده ها معرفی گردید و در جلسات کمیسیون، این نمایندگان نیز حضور دارند. فقط آقای قانونی در منزل نبودند و نامه به منزل شان سپرده شد... پس همه افراد مهم جمعیت، امروز نیز مانند دیروز در جمعیت بوده و همه وظیفه دارند تا وحدت و یکپارچگی جمعیت را کماکان حفظ و از آن پاسداری نمایند.

وحدت جمعیت، گذشته از اینکه یک فریضهٔ دینی و ملی است، گذشته از آن میراث گرانبهای رهبر شهید و رهبر جهاد و مقاومت نیز می باشد، پس همهٔ ما دست به دست هم داده و تلاش و مبارزه نماییم تا صفوف جمعیت را بیشتر از پیش مستحکم ساخته و به پیشواز برگزاری کنگرهٔ جمعیت با شوق و علاقهٔ فراوان بپردازیم و جمعیت را به مثابهٔ یک حزب اسلامی و ملی و با پایه های متین مردمی، در تاریخ کشور ماندگار سازیم. ◆

افغانستان پس از ۲۰۱۴؛ ثبات یا بی ثباتی؟

محمد اکرام اندیشمند

این پرسش برای سیاستمداران، نخبگان و فعالان جامهٔ مدنی و افکار عامه مطرح است که افغانستان پس از ۲۰۱۴ بسوی ثبات می رود یا بی ثباتی؟ خروج نیروهای خارجی در این سال تردید هایی را در مورد بقای دولت و توانایی نیروهای نظامی افغانستان در جنگ با طالبان و القاعده به وجود می آورد. و این تردید بر میزان نگرانی های بازگشت به دوران بی ثباتی و جنگ و برگشت به امارت طالبان می افزاید. وقتی ذهنیت های بسیاری معطوف به این نگرانی می شود که از تشابهات دوران خروج قوای شوروی در اواخر دهۀ هشتاد با خروج قوای امریکایی و ناتو در ۲۰۱۴ صحبت به عمل می آید. و همچنان از مشابهت اوضاع سیاسی داخلی در حکومت نجیب الله آخرین رهبر حاکم حزب دموکراتیک خلق و وضعیت سیاسی در حاکمیت کنونی افغانستان سخن می رود. تردید طالبان در مذاکره با دولت افغانستان به ریاست رئیس جمهور کرزی با تردید تنظیم های مجاهدین در مذاکره با حکومت داکتر نجیب الله مقایسه می شود. با این مقایسه و مشابه سازی، بازگشت به دوران گذشتۀ بی ثباتی و جنگ، تبعات مشابه خروج هر دو نیروی خارجی معرفی می گردد. این نتیجه گیری ذهن های نگران بسیاری را در داخل و خارج نگران تر می سازد. آیا پس از ۲۰۱۴ چنین خواهد شد؟ آیا افغانستان در فردای خروج نیروهای غربی بسوی بی ثباتی و جنگ داخلی خواهد رفت؟

خروج دو نیروی خارجی در اوضاع و زمان متفاوت:

مقایسه و نتیجه گیری گسترش بی ثباتی و جنگ تا مرز فروپاشی دولت از پیامد خروج نیروهای شوروی در اواخر دهه هشتاد و خروج نیروهای غربی (ایالات متحده امریکا و کشورهای اروپایی) درسال۲۰۱۴ عیسوی، یک مقایسه و نتیجه گیری نادرست و نامتقارن است. به همان حد این مقایسه و مشابه سازی میان اوضاع سیاسی و اجتماعی افغانستان در دولت های حزب دموکراتیک خلق مورد حمایت شوروی سابق و دولت فعلی مورد حمایت امریکا و کشورهای غربی با واقعیت همخوانی ندارد. تفاوت و افتراق در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتا آیدئولوژیک در زمان خروج نیروهای شوروی با زمان خروج نیروهای ناتو از افغانستان علی رغم فاصلۀ اندک زمانی در سطح داخلی و بین المللی بسیار مشهود و روشن است. مسلم خواهد بود که پیامد خروج دو قوای خارجی در اوضاع متفاوت سیاسی و اجتماعی افغانستان و جهان، پیامد یکسان و مشابه نداشته باشد. این تفاوت در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی داخلی و خارجی چیست و چه تغییر و تحولی از فرآیند آن تفاوت پس از ۲۰۱۴، سال خروج نیروهای خارجی متصور خواهد بود؟

الف - در عرصۀ داخلی تحولات سیاسی و اجتماعی:

تفاوتِ تغییر و تحول عرصه های مختلف حیات اجتماعی از سیاست تا اقتصاد، فرهنگ، آزادی های مدنی و اجتماعی در دوران خروج نیروهای ناتو با دوران خروج نیروهای شوروی از مؤلفه های اصلی و تأثیر گزار در مسیر تحکیم و تداوم ثبات سیاسی است. این تفاوت به عرصه های مختلف بر می گردد که مهمترین آن عبارتند از:

۱- شکل گیری جامعۀ مدنی و نهادهای کثیر و متعدد در این جامعه از نهادهای اجتماعی و فرهنگی تا نهادهای سیاسی و شبکه های گسترده در بخش رسانه های همگانی برخلاف دوران حاکمیت حزب دموکراتیک خلق و وجود قوای شوروی، یکی از این مؤلفه ها محسوب می شود. افغانستان در دوران خروج قوای شوروی و سال های اخیر حاکمیت حزب دموکراتیک خلق شاهد حضور و رشد چنین تحول چشمگیر اجتماعی و سیاسی نبود.

۲- تحول در عرصۀ حیات اقتصادی و اجتماعی مردم توام با توسعۀ شهر ها و گسترش زندگی شهری در سال های پس از فروپاشی امارت طالبان، از تفاوت های بسیار مهم در زمان خروج نیروهای شوروی و نیروهای غربی است. تا سی درصد جمعیت افغانستان پس از سقوط حکومت طالبان متدرجاً در شهرها اقامت یافتند. علی رغم عدم معیار های زندگی شهر نشینی و نبودِ امکانات چنین زندگی در شهرها، یک جمعیت عظیم شهر نشین در کشور ایجاد شد که آنرا می توان یکی دیگر از مؤلفه های ثبات پس از۲۰۱۴ گفت. جمعیت بزرگ شهرنشین در افغانستان در عرصه های مختلف حیات به منفعت هایی دست یافتند که در زندگی روستایی نمی توانند به آن برسند. شکل گیری طبقۀ متوسط و به خصوص ایجاد یک قشر ثروتمند و تاجر در شهر ها که تعداد شان از فرماندهان گروه های مختلف سیاسی- نظامی هستند، یکی دیگر از عوامل ثبات پس از ۲۰۱۴ است. منافع جدید اقتصادی آنها که برای برخی با اقتدار سیاسی نیز پیوند دارد، عامل بازدارنده بسوی جنگ و بی ثباتی محسوب می شود.

۳- تفاوت روشن دیگر در زمان خروج قوت های شوروی و غربی به چگونگی مراکز مختلف تنظیم ها و گروه های جهادی و سیاسی- نظامی و فرماندهان متعدد در نقاط مختلف افغانستان با توجه به انگیزه و امکانات نظامی آنها به عنوان مراکز و محور قدرت بر می گردد. در زمان خروج قوای شوروی و آستانۀ فروپاشی دولت حزب دموکراتیک خلق منابع عظیم نظامی و لوژستکی از ارتش این دولت باقی ماند که تقسیم آن در میان گروه های مختلف سیاسی- نظامی به مراکز متعدد قدرت انجامید و ابزار بی ثباتی و جنگ را فراهم کرد. در حالی که پس از ۲۰۱۴ و خروج نیروهای غربی نه چنان ابزار و امکانات جنگ میسر است و نه مراکز مشابه متعدد قدرت وجود دارد و نه انگیزۀ بازگشت به منازعه و جنگ از منظر اعتقادی و ایدئولوژیک در میان گروه ها و فرماندهان مشاهده می شود. مؤلفۀ اعتقادی و ایدئولوژیک جنگ برخلاف زمان خروج قوای شوروی علی رغم آنکه کم رنگ و ضعیف شده بود، پس از ۲۰۱۴ اگر ناپدید نشود، دیگر عامل تأثیرگزار و انگیزه بخش در جنگ نخواهد بود. حتا طالبان دیگر از چنین انگیزه ای برخوردار نیستند.

۴- تفاوت دو نظام سیاسی در زمان خروج دو نیروی خارجی از افغانستان و مشروعیت هر دو نظام و دولت های برآمده از آن.

نظام سیاسی حاکم بر افغانستان در زمان خروج قوای شوروی، نظام ایدئولوژیک و وابسته به نظام حاکم بر شوروی بود. درحالی که فروپاشی شوروی زاییدۀ حاکمیت آن ایدئولوژی، سرنوشت محتوم سقوط حاکمیت وابسته به آن در افغانستان بود، هیچ مکانیزم مشروعیت بخش و روشن در جهت رفتن به نظام و حاکمیت دیگر وجود نداشت. تنها جنگ و کودتای نظامی عامل دسترسی به قدرت شمرده می شد. اما بر عکس در سال ۲۰۱۴، سال خروج نیروهای خارجی سومین دور انتخابات ریاست جمهوری بر مبنای قانون اساسی افغانستان برگزار می شود. برگزاری انتخابات در این سال راه را برای جنگ بر سر رسیدن به قدرت سیاسی می بندد و انگیزۀ دسترسی به اقتدار سیاسی را از جنگ بسوی مبارزه سیاسی می کشاند. اما نکتۀ مهمی که در این انتخابات می تواند مستلزم استحکام و گسترش ثبات باشد، شفافیت انتخابات، شکل گیری دولت و حکومتِ سالم، پاسخگو و مخالف فساد و بی عدالتی با رهبری برخوردار از درایت، اراده و سیاست ملی خواهد بود. دولت و رهبری که بتواند از سیاست های مختلف و حتا متعارض کشورهای منطقه و جهان در جهت استحکام و توسعه ثبات سیاسی و پیشرفت اقتصادی افغانستان بهره بگیرد.

ب - در عرصۀ خارجی و بین المللی:

تفاوت در عرصۀ بین المللی میان زمان خروج نیروهای شوروی سابق از افغانستان با خروج نیروهای غربی آنچنان مشخص و بزرگ است که هر گونه ارزیابی یکسان از پیامد خروج هر دو نیروها بی پایه و غیرمنطقی به نظر می رسد.

شوروی سه سال پس از خروج نیروهایش از افغانستان فروپاشید و پس از آن که بوریس یلتسن ریاست دولت فدراتیف روسیه را در واقع به عنوان وارث اصلی شوروی بدست گرفت، به ارسال تمام کمک های نظامی و اقتصادی به حکومت نجیب الله یا دولت حزب دموکراتیک خلق در کابل پایان داد. حاکمان جدید مسکو حاضر نشدند که حتا یک لیتر تیل و یک روبل برای بقای حکومت مورد حمایت شوروی در کابل هزینه کنند. در حالی که ارتش چهارصد هزار نفری این دولت با ۱۵۶۸ چین تانگ، ۸۲۸ چین ماشین محاربوی، ۴۸۸۰ عراده توپ، ۱۲۶ فروند هواپیمای جنگندۀ بمب افگن میک و سو و ده ها فروند چرخبال و هواپیماهای نظامی دیگر به کمک های عظیم و بلاوقفۀ مسکو وابسته بود. قطع کمک ها، به سرعت دولت حزب دموکراتیک خلق را فروپاشاند و ارتش آنرا متلاشی کرد. اما پس از ۲۰۱۴ غربی ها و یا حامیان خارجی دولت افغانستان به دلایل مختلفی عملکرد مشابه مسکو را انجام نخواهند داد:

۱- دولت های ایالات متحده و غرب در آستانۀ فروپاشی مشابه فروپاشی شوروی پس از ۲۰۱۴ قرار ندارند که دیگر کاری به کار افغانستان نداشته باشند.

۲- ایالات متحدۀ امریکا و کشورهای غربی پرداخت چهار میلیارد دالر هزینۀ سالانۀ ارتش و نیروهای نظامی افغانستان را تا سال ۲۰۲۵ عیسوی متعهد شدند. نیروهای نظامی افغانستان با دریافت هزینه های مورد نیاز نه تنها توانایی مقابله و

ص۶

آموزش و جوانان

سخی صارم

سال های پیش که ما شامل مکتب شدیم، با این بیت معروف بود: "توانا بود هرکه دانا بود...." آن زمان به عمق معنی آن پی نمی بردیم. به طور کلی در گذشته این سخن مفهوم کامل خود را القا نمی کرد زیرا دانش به اندازۀ امروز در زندگی بشر کارساز نشده بود.

در گذشته آموزش نوعی زینت بود، تشخص و اعتبار می بخشید و چون بیشتر برای هدف های معنوی بود،در سرنوشت مادی جامعه تأثیر چندانی نداشت. تنها در دورۀ جدید است که علم در همۀ شئون راه یافته و اجتناب پذیر شده است. از جنگ تا صلح و از کار دهقانی تا صحت مردم، خلاصه آن چه کیفیت و کمیت زندگی را افزایش می دهد و امکان زندگی قابل قبول به یک ملت می بخشد باید از مجرای علم عبور کند. دانش در کاربرد علمی خود تبدیل به "فن" می شود و از آنجا وارد زندگی اجتماعی می گردد و سرنوشت کل جامعه را در بر می گیرد. وقتی ناصر خسرو می گفت:

درخت تو گر بار دانش بگیرد
به زیر آورد چرخ نیلوفری را

امروز شاخص پیشرفتگی یک کشور با کیفیت و کمیت آموزش آن برآورده می شود، زیرا آموزش است که بی درنگ پیشرفت فنی، اقتصا دی و فرهنگی را به دنبال دارد. وقتی بر سراسر دنیا نگاه می افگنیم، نوعی همبستگی و هماهنگی در امور می بینیم که مجموع آن به آموزش و تربیت باز می گردد. فی المثل کشوری که نتواند نظم شهر را تأمین کند، نظافت در نانوایی‌ها را اجرآکند، شک است که بتواند کارهای بزرگ انجام بدهد.زیرا دقت و مراقبت و وسعت دید و عشق به معرفت و پشتکار علمی، همه از هم جدائی ناپذیرند. ساعت ده صبح سیلی از جوانان را می بینید که در سرک ها بیکار گشت وگذار می کنند. در حالی که جوانان در این سن باید در چوکی پوهنتون و یا در مکاتب قرار داشته باشند. این جوانان گاهی به دست فروشی و یا کنار سرک به موترشویی و کارهای شاقه مشغول هستند. گذ شتۀ نا مناسب آن ها وضعیت اکنون را برای جامعه وآنها به ارمغان مانده است.

عده ای از جوانان که در مکاتب مشغول درس و آموزش هستند بر اثر ناملایما ت اقتصادی، مشکلات عدیدۀ مربیون، نبود لوازم امور تدریسی، مکان مناسب مکاتب و نبود کنترول و تفتیش از جانب وزارت های مربوطه به آموزش و اهمیت آن چندان وقعی نمی گذارد. افغانستان با نیاز های نا خواسته اش بدون آموزش قوی چگونه می تواند بر سرپا ایستد؟

آموزش از مکتب ابتدائیه تا دانشگاه مورد نظراست و همچنین رادیو و تلویزیون، مطبوعا ت وکتا ب را در بر می گیرد. شرط اول آنست که جامعۀ روبه جهت علم و دانش داشته باشد، یعنی مجموع جوکشور علم پذیر باشد. جامعه بپذیرد که علم جزو ضرورت زندگی است. از آن بالاتر است که وقتی پای علم درکار آمد، آن را برای روشنائی وجود بخواهیم، برای افزایش عیار انسانی. فضای مناسب و تعداد مکاتب نیز برای آموزش فرزندان کشور مهم است. از سویی افزایش کمیت به زیان کیفیت، ظاهر به زیان باطن، فرع به زیان اصل یکی از بلا های ناپیدایی است که ممکن است بر وضعیت آموزش کشور فرو افتد. چه فایده که بودجۀ دولت و وقت مملکت تلف شود، بدون آنکه حساب شود چه نتیجه ای به دست آمده؟ در گذشته نیرو و اعتبار هرکشور برحسب ثروت و سربازان کارآمدش اندازه گیری می شد. ولی اکنون وضعیت تغییرکرده است، حتی استعداد طبیعی و ذخایر زیر زمینی اهمیت پیشین را از دست داده. افراد نیز وقتی افزار پیشرفته در دست نداشته باشند، موجب برتری نمی شوند. علم، فن و فکراست که بر همه این ها غلبه می کند، یعنی چیرگی کیفیت برکمیت. آموزش دانشگاهی در افغانستان که در آغاز ماهیت غیر علمی داشته و مقدمۀ میز نشینی بوده تا "نوکردولت " تربیت کند، هیچ تغییری نکرده است. یک "تفنن" و"تجمل" تلقی شده و دست یافت به یک شغل کم زحمت است، نه وسیلۀ کارآمدی! این پرسش در مغز هیچ مقامی مطرح نگردیده که هدف از آموزش چیست؟ دانشجو نیز زمانی متوجه می شود که عمرش از دست رفته و بی حاصلی مانده است. آنگاه جز عصیان و دل زدگی چیزی در برابرش نیست. یا باید به آب باریک دولت بسازد و وجود خود را عاطل کند و یا در بخش خصوصی به جولان بپردازد و به هرحال سر بار ملت بماند. مقصد آموزش کسب علوم و فنون مختلفه باید باشد که برای وطن در همه زوایای زندگی کارآمد باشد، نه این که « کلفتی نان و نازکی کار» تعبیر شود.

معمای نفوس در افغانستان

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل

رقم درست ارقام نفوس در افغانستان، در شرایط پیشرفت های ۰امی معاصر به یک معمای تمام عیار تبدیل گردیده است. در جهان معاصر کشور ها حتا ارقام گوسفندان خویش را در اختیار دارند و در کشور ما تعداد نفوس، یک ابهام ملی و غیر قابل دسترس می باشد. امروز برنامه های انکشافی کشورها بر معیار نفوس تنظیم و شکل می گیرد. در افغانستان سرشماری نفوس هیچ گاه به صورت علمی صورت نگرفته است و بعد از هر آغاز در این خصوص توقف داده شده است و همه چیز بر معیار تخمین و گمان پیش برده می شود و در تازه ترین ارقامی که از سوی اداره احصائیه مرکزی، تعداد نفوس در کشور به ۵،۲۸ میلیون تخمین زده شده است، که با هیچ معیار از معیار های جامعهٔ جهانی همخوانی ندارد و این خود یکی از معما های حل ناشدنی کشور را شامل می گردد. افغانستان در شرایط موجود نیاز شدید به سرشماری نفوس دارد، تا رقم درست نفوس تعین گردد؛ زیرا این کشور در آستانهٔ انتخابات ریاست جمهوری قرار دارد؛ نه تنها این جغرافیایی سیاسی باید رقم باشنده گان خود را بدانند؛ بلکه برای هریک از شهروندان کشور، جای دارد که سند هویت افغانستانی بودن توزیع گردد و این سند هویت یک شخص را تثبیت می نماید؛ زیرا کشور در آستانهٔ انتخابات ریاست جمهوری قرار دارد و سند تثبیت هویت؛ یعنی تذکرهٔ شهروندی زمینهٔ سالم انتخابات را در کشور فراهم می سازد؛ در غیر آن رفتن به انتخابات مفهومی نخواهد داشت.

برنامهٔ انتخابات در حقیقت به توزیع کارت های شناسنامه و رقم نفوس در کشور بستگی دارد. بدون سرشماری دقیق و توزیع برگه های انتخاباتی، نه می توان به یک انتخاب سالم و بدون جعل و تزویر امید بست. بعد از جنگ جهانی دوم که کشورها به سوی ملت شدن گام نهادند و حصار حاکمیت در قلمرو حاکمیت ملی به وجود آمد، در افغانستان حاکمیت های بر سر اقتدار هیچ گاه نخواسته است، تا برنامهٔ سرشماری نفوس را روی دست گیرد؛ زیرا این حاکمیت های قانون گریز و خود محور، علاقه نداشتند، تا اقوام مختلف افغانستان، به هویت قومی خود، دسترسی پیدا کنند. شعار اکثریت و اقلیت بر اساس همین حدس و گمان در کشور به وجود آمد که تا هم اکنون به یک معضل بزرگ سیاسی تبدیل گردیده است. در انتخابات آینده که از تدویر آن کمتر از یک سال باقی نمانده است، امروز اکثریت مطلق افغانستان، تذکره هویتی ندارند؛ در حالی که بدون تذکره، ما به تشخیص هویت ها قادر نخواهیم بود. و هم چنان قادر نخواهیم بود به سوی یک انتخاب بدون دغدغه بخت آزمایی کنیم.



توزیع تذکرهٔ که در آن اقوام مختلف هویت خود را ببینند، از نیاز مبرم جامعهٔ ما است و این ضمانت اتحاد و وحدت ما را نشان می دهد. بدون شک برخی بر این باور اند که یک ارادهٔ قوی در خصوص سرشماری نفوس وجود ندارد؛ زیرا بیم آن می رود که فرضیهٔ اکثریت و اقلیت از هم فروپاشد و شعار اکثریت به افسانه تاریخ تبدیل گردد؛ در حالی که در یک جامعهٔ اسلامی و مدنی، نیازی به اکثریت و اقلیت وجود ندارد و اصل همه چیز تقوا و شایسته گی فرد می باشد، نه قوم، قبیله، ثروت و سرمایه. هستند کسانی که منفعت خویش را در اقلیت می بینند و از نام اقلیت به جاه، نام و نشان می رسنند، و تعدادی دیگری به نام اکثریت، باید همواره در قدرت باقی بمانند و بر دیگران امر و نهی کنند و سخن آخر را در کشور عنوان کنند.

بدون شک یک تخمین ها، در مورد تعداد نفوس در کشور بسیاری از دشواری های دیگر را به وجود آورده است و مشکل را بر سایر مشکل های کشور انباشته است. در نبود سرشماری دقیق و توزیع تذکره هویتی، کشور از برنامه های پیشرفته محروم خواهد ماند، زیرا رشد و رونق ترقی، بستگی به تعداد نفوس و برنامه های سالم دارد و در نبود احصائیه دقیق، چگونه قادر خواهیم بود، تا ضمانت حیات مدنی و زیست محیطی را در کشور به وجود آوریم. فرایند نبود سرشماری دقیق از همان برنامه اکثریت و اقلیت در کشور ریشه می گیرد، که پیامد های آن تداوم سیاست انحصار طلبی در قدرت و سیاست های قرون استایی در کشور خواهد بود؛ در حالی که یکی از حقوق اولیه و اساسی هر انسان و شهروند کشور داشتن هویت روشن و شفاف (و جعلنا کم شعوباً و قبائل لتعارفوا....) می باشد. و در صورت سرشماری دقیق و درست به این هویت اساسی خود خواهیم رسید، توزیع درست تذکره ما را قادر می سازد تا هویت قومی خویش را در کنار سایر اقوام درست تشخیص دهند. از سال های متمادی بدین سو تعداد نفوس در افغانستان در یک ابهام آشکار قرار دارد. سوال اینجا است که در انتخابات آینده، این حکومت برای چند میلیون انسان قابل رای دهی تدابیر پیشگیرانه در نظر دارد؟ در حالی که رقم دقیق نفوس نه تنها در کشور وجود ندارد، ما قادر نیستیم تا تعداد اشخاص واجد شرایط رای دهی را تشخیص دهیم؛ زیرا مردم فاقد اسناد معتبر رای دهی می باشند. جز اینکه ما به وکلای گزر مراجعه کنیم، تا تثبیت هویت صورت گیرد و بعد از آن به توزیع کارت انتخابات اقدام صورت گیرد؛ زیرا صد های هزار نفر در دوطرف مرز افغانستان همه روزه در حال تردد اند و این های قادر اند، به زبان های ملی افغانستان صحبت نمایند، پس چگونه می شود از اخذ کارت های جعلی جلوگیری نمود. امروز پیشتر از یک صد هزار نفر در افغانستان وجود دارند که به کار های اعمار و ساختمانی مشغول اند و آنها خود را شهروندان کشور همسایه می دانند و حاضر نیستند، هویت و تذکره می را بپذیرند و تعدادی از آنها از هر دو طرف مرز دارای سند هویتی می باشند. این ها و مسائل دیگر مشکل اساسی ما را در خصوص سرشماری نفوس و انتخابات آینده تشکیل می دهد، در صورتی که به این معضل ها رسیده گی نشود، ما قادر به زنده گی آرام و مدنی نخواهیم بود.

سیاست تخمین، حدس و گمان بر قرون میانه بر می گردد، که کشور ها قادر به چنین اقدامی دقیق نبودند. ارقام دقیق شهروندی نشانه مقدمه و سرآغاز برنامه های کلان ملی است، در نبود یک چنین ارقام دقیق، نمی شود برنامه های کلان ملی را رقم زد و پیشرفت های اجتماعی را در زمینه های مختلف، روی دست گرفت، در صورتی که ارقام نفوس دقیق نباشد، این امر مهم و ملی بر اساس تخمین و گمان رقم زده خواهد شد. بدون شک برنامه های ملی، پیشرفت ها و دورنمای کشور بر چنین حدس و گمان ها استوار خواهد بود، نه بر نیازمندی های ملی؛ زیرا برنامه ریزی های ملی بر بنیاد تعدد نفوس، طرح و تدوین می گردد و کشور ها همه ساله برنامه های خود را بر اساس ارقام دقیق نفوس تنظیم می نمایند. افغانستان قبل از همه باید دسترسی به تعدد نفوس داشته باشد، تا برنامه های خود را بر اساس آن هماهنگ سازد. فرضیهٔ حدس و گمان جز خواب پریشان و پراگنده گویی نتیجه در بر نخواهد داشت.

افغانستان پس از ۲۰۱۴، ثبات یا ...

۳- مقاومت علیه طالبان را خواهند داشت، بلکه به آنها روحیهٔ ایستادگی و پایداری بیشتری خواهد بخشید. نبودِ قوای خارجی در عملیات نظامی، احساس رقابت و شجاعت را در وجود این نیروها تقویت می کند و بصورت فزاینده میزان استقلال و اعتماد به نفس آنها را بالا می برد.

۴- امریکا و غربی ها، بی ثباتی و جنگِ منتهی به بازگشت طالبان و القاعده را متعارض به منافع منطقه ای و بین المللی خود تلقی می کنند و به آسانی آن را نمی پذیرند.

۵- ایجاد پایگاه های نظامی امریکا و یا ادامه حضور نظامیان امریکایی هر چند معدود پس از ۲۰۱۴ تفاوت دیگر در عرصه خارجی و بین المللی زمان خروج قوای شوروی و خروج قوای غربی است. وقتی جنرال گروموف به عنوان آخرین نظامی شوروی از فراز رود آمور عبور کرد، در آنسوی رود به خبرنگاران گفت که، من در عقبم گذشتهٔ تهی و برباد رفته را می بینم. حتا مسکو پس از خروج نیروهایش در زمان حیات شوروی از تعهدات علنی مبنی بر حمایت از دولت افغانستان اجتناب می کرد و با سیاست های غیرشفاف و چند پهلو نمایان می شد. در حالی که امریکایی ها و ناتو با صراحت از ادامه کمک خود به دولت افغانستان سخن می گویند و خود را متعهد به ثبات و بقای دولت در افغانستان می دانند.

ج - در عرصهٔ منطقه و همسایگان:

شرایط منطقه ای از زاویهٔ تأثیر بر ثبات و بی ثباتی افغانستان در زمان خروج قوای شوروی و خروج نیروهای غربی نیز یکسان و مشابه نیست. پاکستان به عنوان همسایهٔ بسیار مهم و تأثیر گزار برجنگ و صلح افغانستان در شرایط دوران خروج قوای شوروی به سر نمی برد تا پس از سال ۲۰۱۴ یکه تاز میدان جنگ و بی ثباتی افغانستان باشد:

۱- چشم پاکستان از دود و شعله های آتشی که برای افغانستان روشن کرده بود، در حال سوختن و کور شدن است.

۲- پاکستان نه تنها حامیان و متحدان امریکایی و اروپایی جنگ دههٔ هشتاد و نود افغانستان را پس از ۲۰۱۴ با خود ندارد، بلکه آن متحدان بر خلاف سیاستِ دههٔ هشتاد و نود، از حامیان دولت افغانستان هستند.

۳- عدم برخورداری اسلام آباد به گمان غالب از حمایت گسترده و سخاوتمندانهٔ عربستان سعودی و ثروتمندان عرب همچون دههٔ هشتاد و نود در جنگ افغانستان.

آیا پاکستان در چنان شرایط دشوار اقتصادی و امنیتی خود پس از ۲۰۱۴ با توجه به این همه محدودیت و ناتوانی ها، توان حمایت از بی ثباتی و جنگ افغانستان را خواهد داشت؟ از این مهمتر، آیا هند دشمن سنتی و همسایهٔ پاکستان و کشورهای ایران، روسیه و آسیای میانه که در دههٔ نود در جهت مخالف پاکستان بر سر افغانستان قرار گرفتند، پس از ۲۰۱۴ نظاره گر دست باز پاکستان در افغانستان خواهند بود؟

به نظر نمی رسد که پاکستان پس از ۲۰۱۴ در انزوا و تنهایی توان دوام جنگ و بی ثباتی را در افغانستان داشته باشد. اما نکتهٔ که در پایان دادن به انگیزه های دخالت پاکستان در عقب بی ثباتی افغانستان می تواند نقش اصلی داشته باشد، حل منازعه و مناقشهٔ مرزی برسر مرز دیورند میان دوکشور است.

جدا از پاکستان، سایر کشورهای همسایه و منطقه، منافع خود را در ثبات افغانستان و پایان جنگ می بینند. چون بی ثباتی افغانستان پس از ۲۰۱۴ بی ثباتی را در آن کشورها دامن می زند. این بی ثباتی در ابعاد مختلف قومی، مذهبی و نژادی سراسر منطقه را فرا می گیرد. تقویت و نفوذ افراط گرایی دینی که بصورت وحشتناکی با ابزار عملیات انتحاری ترویج یافته است، تمام منطقه را به آشوب می کشد. بنا بر آن بسیار بعید است که سایر همسایگان و کشورهای منطقه با سکوت و بی تفاوتی شاهد و ناظر نقش پاکستان در بی ثباتی افغانستان پس از ۲۰۱۴ باشند.

مروری بر حوادث امنیتی

○ فیض



۱٤ ثور:

پس از آنکه یک عراد موتر نیروهای خارجی با ماین کارگذاری شده در کنار سرک در روستای "گودر سنگچال" مربوط به زیرکوه ولسوالی شیندند ولایت هرات برخورد نمود، نیروهای خارجی به سمت مردم تیراندازی نمودند، که در نتیجه، این تیراندازی، چهار عضو یک خانواده (سه دختر همراه با پدرشان) شدیدا زخمی شدند.

۱۵ ثور:

• انفجاری در مرکز شهر چغچران و در مقابل دروازهٔ دفتر ورودی این ولایت رخ داده است. بنا به گفتهٔ سخنگوی والی غور در در تماس به رسانه ها، مخالفان مسلح مواد انفجاری را در یک موتر سایکل جاسازی و می خواستند امنیت این ولایت را بر هم زنند. اما انفجار این ماین کدام تلفاتی در پی نداشته است.

• در حملهٔ یک سرباز اردوی ملی در پایگاه نیروهای ارتش در روستای شیوان ولسوالی بالا بلوک فراه، دو نیروی نظامی امریکایی کشته و ۳ تن دیگرشان جراحت برداشته اند.

• به گفتهٔ مقام های محلی، در منطقهٔ "کورغند" ولسوالی خاک سفید فراه، در اثر انفجار ماین کنار جاده که با یک موتر مسافربری، به شمول یک زن، ۴ تن کشته و ۵ تن دیگر زخمی شده اند.

• به گفتهٔ دفتر مطبوعاتی وزارت امور داخله به رسانه ها، نیروهای امنیتی افغان یازده مورد عملیات تصفیوی را در مربوطات ولایت های ننگرهار، بغلان، غزنی ، خوست، و هلمند راه اندازی نمودند که در نتیجه بیست و هفت طالب مسلح کشته شدند .

• یک فرماندهٔ جهادی به نام ویس الدین در ولایت تخار، از سوی افراد مسلح ناشناس کشته شد. به گفتهٔ سخنگوی فرماندهی امینه تخار به رسانه ها، " این قوماندان سابق جهادی ویس الدین نام داشت و شب گذشته توسط افراد ناشناس در خانه اش کشته و یک محافظ وی نیز زخمی شد". به گفتهٔ مسؤولان محلی تخار؛ این فرماندهٔ جهادی به دلیل اختلافات قومی کشته شده و در ارتباط با این قضیه، سه تن بازداشت شده اند.

۱٦ ثور:

• درگیری میان پولیس سرحدی افغانستان و ملیشه های سرحدی پاکستان از سر گرفته شد. این ملیشه های سرحدی پاکستان کوشیدند تا بار دیگر در ولسوالی گوشته دروازهٔ اعمار نمایند. درگیری بدون تلفات و ضایعات به عساکر افغان خاتمه یافت و ملیشه های پاکستانی نتوانستند که در این ساحه دروازه ایجاد نمایند. یک منبع دیگر امنیتی تائید کرد که درجریان درگیری یک تانک زرهی ملیشه های پاکستانی و دو پوسته آنها تخریب شده است. اما رسانه های محلی گزارش داده اند که در جریان درگیری به ملیشه های پاکستانی تلفات وارد شده است.

• وزیر امور داخلهٔ کشور گفته است که در نتیجه درگیری ولسوالی گوشته، تعدادی از پاسگاه ها و وسایل جنگی و محاربوی نیروهای پاکستانی منهدم و از صف محاربه خارج شد تا آن که نظامیان پاکستانی، خواستار برقراری آتش بس فوری در این منطقه شدند. در یک اعلامیهٔ آن وزارت آمده است که پولیس سرحدی کشور به نظامیان پاکستانی جواب دندان شکن دادند، گفته شده که نظامیان پاکستانی یک بار دیگر به ایجاد پاسگاه های مرزی در نزدیکی ولسوالی گوشتهٔ ولایت ننگرهار در امتداد خط دیورند اقدام کردند. که نیروهای پاکستانی، با پاسخ جدی نیروهای پولیس سرحدی کشور روبه رو شده و در نتیجه تعدادی از پاسگاه ها و وسایل جنگی و محاربوی آنان منهدم و از صف محاربه خارج شد؛ تا آن که نظامیان پاکستانی خواستار برقراری آتش بس فوری در این منطقه شدند.

۱۷ ثور:

• ریاست عمومی امنیت ملی کشور نُه تن تروریست را که یکی آن پاکستانی است پیش از انجام فعالیت تخریب کارانهٔ شان در جلال آباد دستگیر کردند.

مشکلات پناهندگانِ افغان در ایران

منبع: اکونومیست **برگردان: مسعود اندیشمند**

است. زلمی پس از انداختن یک خریطهٔ کلان بر روی زمین گفت: "اگر ایران وجود نداشت من هم وجود نمی داشتم." او که سه سال پیش پدر و مادرِ خود را در هرات رها نموده بود هیچگاه به مکتب نرفته است. وی روزانه ۱۵۰۰۰۰ ریال (۴،۲۰ دلار) از فروشِ پلاستیک بدست می آورد.

سی سال جنگ در افغانستان، ایران را شاید با بزرگترین جمعیت پناهندگانِ شهری در جهان روبرو کرده باشد. بیش از یک میلیون افغان در جمهوری اسلامی به عنوان پناهندگان ثبت هستند، ولی در عین حال بیش از یک و نیم میلیون افغانستانی بطور غیر قانونی در ایران زندگی می کنند. اما ترکیبی از بدتر شدنِ ضعفِ اقتصادی ایران و سیاست های دولت آن، موجب بازگشت دسته جمعی افغان ها از ایران پس به افغانستان و یا هم به سمت غرب به ترکیه و یونان شده است. گمان می رود که تقریباً دوصد هزار نفرِ آنها در هفت ماه گذشته برگشته اند؛ ۵،۷ میلیون – ۱۵ درصد نفوذ افغانستان در ده سال گذشته دوباره به افغانستان عودت کرده اند، بسیاری از آنها در جریان حکومتِ احمدی نژاد که در سال ۲۰۰۵ آغاز یافته بود مجبور شدند تا ایران را ترک کنند.

مهاجرت افغان ها به ایران قدامت دیرینه ای به قدمتِ جمهوری اسلامی ایران دارد. در طولِ تهاجمِ اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۷۹، صدها هزار افغان به ایران فرار نموده بودند، هرچند که خودِ مملکتِ ایران در تلاطم انقلاب قرار داشت. برای یک دهه، مهاجرین افغان از سوی دولت ایران نادیده گرفته شد، از کار مناسب محروم بودند و در مطبوعات به عنوان جنایتکارانِ خشن و قاچاقچیانِ مواد مخدر مورد استهزا و مذمت قرار می گرفتند. در طولِ "دورهٔ بازسازی و نوسازی" سال های ۱۹۹۰ زیرِ ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی، دولت به دنبالِ ناتورالیزه کردنِ (به تابعیت درآوردن یک کشور) آنها شد. بسیاری آنها در کارهای ساختمانی مشغول بودند. اما در حکومت احمدی نژاد مشکلاتِ مهاجرین سخت تر گردید. همانطوری که اقتصاد ایران بنا به تحریم های خارجی دچار تزلزل شده است، دولت ایران در حال حاضر پناهندگانِ قانونی و غیرقانونی را تشویق می کنند تا به خانه های شان برگردند. دفتر امور اتباع و مهاجرین خارجی بازرسی های ناگهانی و بدون اطلاع قبلی از شرکت های ساختمانی و کارخانه ها را سرعت بخشیده است و به آنهائی که کارگرانِ بدونِ اسناد را استخدام کرده اند هشدار داده است که کارهای شان را تعطیل خواهد نمود. این دفتر همچنان اعلام کرد که از دواج های بین مهاجرینِ غیر قانونی و ایرانی ها به رسمیت شناخته نخواهد شد و مهاجرانِ غیر قانونی در حال حاضر واجد شرایط پناهندگی نمی باشند. اطفالِ یک مهاجرِ غیر قانونی جایگاهِ قانونی ندارد، که این حالت آنها را از آموزش و پرورش و مراقبت های بهداشتی محروم می دارد.

شهردارِ مشهورِ متخصص تهران، محمد قالیباف یک کاندیدِ احتمالی ریاست جمهوری، یک سلسله خدماتِ شهری را در رقابت با کارگرانِ غیر قانونی مانند زلمی در بازارِ سود آورِ باز تولید معرفی کرده است. و برخی از مشاغل در کنترلِ آفات و دفع فاضلاب که خودکار (اتوماتیک) شده است شکافی که با ترکِ افغان ها ایجاد شده بود پر کرده است. حامد، ۴۳ ساله یک پناهندهٔ قانونی بیش از یک دهه می شود که در ایران زندگی می کند. او که بطور نمایان ناراحت به نظر می رسد می گوید. " آنها با ما رفتار بسیار بد می کنند. ما منافع و مزایائی که ایرانیان دارند را نداریم. ما نمی توانیم که تلفن همراه (موبایل) و یا موتر (ماشین) داشته باشیم و آنها هر سال تشریفاتِ اداری را پیچیده تر و گرانتر می کنند. "در اشاره به پناهندگانِ غیر قانونی، او می گوید: "همه چیز در بارهٔ پول است. پلیس دنبال خانه های شان (خانه های پناهندگان غیر قانونی) می گردد، پس انداز های شان را به سرقت می برند و سپس اخراج شان می کنند."

از هشتاد سالگی دانشگاه کابل...

دانشگاه های منطقه به شمار می رفت و امروز نیز پیش آهنگی خود را حفظ نموده است. در اکثریت دیپارتمنت های این دانشگاه ظرفیت های بزرگ علمی، ادبی و هنری وجود دارد. در حیات این دانشگاه هرچند جزر و مد های فراوان وجود داشته است و حکومت های گذشته تلاش نمودند تا تعدادی از دانشمندان این دانشگاه را که از کشور های اروپایی و امریکایی سند تحصیلات عالی به دست داشتند، با تحصیل کرده های پاکستانی و روسی تعویض نمایند؛ اما هرگز این استادان نتوانستد جایگاه و مقام علمی آنها را به دست بگیرند. امروز در دانشگاه کابل در موجودیت ۱۷ فاکولته در حدود ۲۰ هزار پسر و دختر مصروف فراگیری علوم اند و بسیاری از علوم معاصر؛ مانند: ساینس و تکنالوژی، محیط زیست و کمپیوتر ساینس تازه ایجاد گردیده است. نصاب درسی جدید در ظرف یک سال اخیر از سوی استادان تهیه و مورد استفاده قرار گرفته است.

برنامه های، تضمین کیفیت در امور تدریس ایجاد گردیده و یک شوق وافر در جهت فراگیری علوم معاصر؛ منجمله کمپیوتر، انترنت و فراگیری زبان های خارجی وجود دارد. بعد از یک انقطاع تاریخی که شاگردانی برخی از کشور های خارجی در این دانشگاه درس می خواندند، از سر گرفته شد و تعدادی از دانشجویان ترکی در دیپارتنمت های این دانشگاه به شمول پسر و دختر درس می خواندند و در حدودی ده هزار نسل جوان به خارج از کشور به خاطر فراگیری علوم فرستاده شده اند و یک مقدار پول به خاطر هزینهٔ این دانشجویان به خارج کشور از سوی تحصیلات عالی پرداخته می شود. برنامه های فوق لیسانس در دیپارتمنت های دری، پشتو، شرعیات، ساینس، اقتصاد و هنرها روی دست گرفته شده است و قرار است برنامهٔ فوق لیسانس در دیپارتمنت عربی آغاز گردد. برای نخستن بار برنامه های دکتورا در دیپارتمنت پشتو و دری این دانشگاه آغاز می گردد که این ها از دست آورد های این دانشگاه به حساب می آید.

آنچه که در دانشگاه کابل و تحصیلات عالی کشور وجود دارد، نبود قانون تحصیلات عالی است و از مدت هشت سال بدینسو قانون تحصیلات عالی در مجلس نماینده گان محبوس می باشد که به بهانه های مختلف مثل: زبان و امتیازات برای استادان و غیره این قانون در حبس به سر می برد. زیرا قانون تحصیلات عالی بیست و چند سال قبل از سوی حکومت وقت ترتیب و تنظیم گردیده است که جوابگوی نیاز های تحصیلات عالی نمی باشد. دانشگاه کابل قلب توفنده و تاریخ بسیار روشن و افتخار آمیز دارد و روزی این دانشگاه محل حرکت های سیاسی در کشور بود که تمام جناح های سیاسی در گذشته ها در این دانشگاه سرمایه گذاری می کردند و این کار سبب گردید، تا یک اندازه دانشگاه کابل از مسیر اصلی اش منحرف گردد. امید می رود که این دانشگاه از زد و بندهای سیاسی به دور نگهداشته شود تا اهداف خود را که همانا انتشار علوم معاصر در جهان می باشد، به درستی اشراف و رهبری نماید.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما جان و مال جهاد کردند مطمئناً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

دور ششم – سال دوازدهم – شمارهٔ هفتم ۲۱ ثور ۱۳۹۲ اول رجب ۱٤۳٤ - 11 May 2013

شورای شهریان کابل در دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان تشکیل جلسه داد



نشست که تحت رهبری حاجی شهاب الدین شهاب برگزار گردیده بود، تعدادی از شهروندان کابل حضور داشتند و پیرامون مسایل مهم و اساسی فعالیت حزبی و سیاسی بحث و گفتگو نمودند.

محور اصلی این نشست را انسجام و نظم بخشیدن به فعالیت های حزبی، سهمگیری و حضور خواهران و برادران در عرصه های مختلف تشکیل می داد. اعضای این شورا به ادامهٔ این گونه نشست ها تأکید کرده، فعالیت های حزبی سامانمند را از اهداف اصلی خود عنوان کردند.

انجنیر محمد شریف یکتن از اعضای این شورا گفت: جلسات ما از چند ماه بدینسو ادامه دارد و با گذشت هر روز بحمدا...کارهای سازمانی و حزبی شورای کابل پر رونق شده است. در مباحث مطرح شده اشتراک کنندگان به داشتن ساختار منظم، تقسیم صلاحیت ها و مسؤولیت حرف زدند و اظهار امیدواری کردند که در آیندهٔ نزدیک شاهد دست آوردهای بیشتر و ا فتتاح دفتر خواهیم بود.

شورای شهر کابل که متشکل از تیپ های مختلف مردم اند، حضور شان در تمام عرصه ها همواره سبز و پرشور بوده و نقش اساسی را در بدنهٔ جمعیت اسلامی و فعالیت های سیاسی دارند.

پاکستان کې ټاکنیز بهیر ، ګواښونه او پایلې

◇ شفیق

په پاکستان کې داعلان شوو پارلماني ټاکنو دترسره کېده لپاره یوازې څو ورځې پاتې دي خو ټاکنیز بهیر د دغه هیواد دطالبانو لخوا دسیکولر قیادتونو پرخلاف د اعلان کړې جګړې لامله هغسې ګرم تیر نشو څنګه چې بنایې ، دمځ په یوولسمه ترسره کېدونکي ټاکنې ددغه هیواد په تاریخ کې دځانګړې نوعیت لرونکی دي ؛ ځکه له یوې خوا پدغه هیواد کې پنځه کلنه واکمني ترسره کوونکي ملګرې ګوندونه (دپاکستان دخلکو ګوند ، عوامي نېشنل ګوند او د مهاجرو قومي اتحاد) دحکومت دامریکایې پلوه پالیسېو لامله دطالبانو لخوا بریدونو سره مخ وو او دطالبانو د ادعاء له مخې دغو ګوندونه د خپل ولس دامریکا په بې پېلوټه جهازونو باندې وژلو د ملي خیانت مرتکب شوي دي . نوځکه یې دوی مزاحمت او مخنیوی کوي.

او دبلې خوا بیا امریکا د پاکستان سره دخپلو مرستو لپاره دا بنیادي شرط ګرځولی دی چې په سیمه کې روانه ترهګري (؟) د سیکولرو ګوندونو بیا واك ته په رسیدلوسره قابوکړي او مخنیوی یې وکړي ، چې لامله یې پاکستان کې اعلان شوې ټاکنې له سختو ننګونو سره مخ کړی دي او پدې لړ کې دټاکنو داعلان راهیسې څوځلې دپاکستاني طالبانو لخوا ددښمن اعلان شوو ګوندونو په ټاکنیز بهیر او غونډو باندې بریدونه ترسره کیږي.

د ټاکنېز بهیر په پیل کې د سوات په سیمه کې دعوامي نېشنل ګوند د یو سیمه ایز مشر له وژل کېدو او بیادبشیراحمدبلور او دهغه په څوې هارون بلور باندې دپېښور په یکه توت کې له برید وروسته ، دپاکستان په بل مهم آیالت (سند) کې دکراچۍ په میلیوني مېشته ښارکې هم تیر میاشت په یو اونۍ کې دوه غتې سیاسي غونډې دطالبانو بریدونو سره مخ شوې ؛ لومړی دمهاجرو دقومي اتحاد یوه غونډه او دفتر ټارګټ وګرځیده ، چې لامله یې دغه ګوندخپل ټاکنیز بهیر بند کړ او ورپسې درې ورځې وروسته دعوامي نېشنل ګوند دیو نوماند بشیرخان په غونډه کې چاودنه شوې وه چې پکې یوولس تنه مړ او له پنځوسو څخه زیات ټپیان شوي وو او کراچۍ دپاکستان له ټولو سترښار او میلوني مېشته سیمه ده ، دپخواني جنرال ضیاءالحق له واکمنۍ را په دیخوا تر دامهاله دکراچۍ دمهاجرینوستراکثریت لرونکې سیمه وه خو پدې وروستېو کې هلته د پښتنو له آبادیدو وروسته پښتون قیادت لرونکو ګوندونو هم پلویان پیداکړي دي ؛ لکه عوامي نېشنل ګوند چې دغه دواړه ګوندونه دخپلمنځي دښمنۍ لنډ تاریخ هم لري.

په وروستېوکې د طالبانو لخوا له پخوا څخه د ټارګیت شوو ګوندونو له نوماندانو سر بېره ، دوه ځلې د فضل الرحمن د جمیعت العلماء ګوند په قبایلي سیمو کې غونډې ټارګټ شوې چې یوه یې په کرمه ایجنسۍ کې د یو پخواني وزیر او سیاسي څېرې منیراحمد جوګیز یې غونډه وه چې پخپله بچ شوی خو پدغه حمله کې درویشت تنه مړه او لدې څخه زیات خلك ټپیان شوی دي ، همدارنګه تیره ورځ د دیر په خانګرام سیمه کې د جماعت اسلامی ګوند دیو کاندید موټر دماین ښکارشوی چې نوموړی هم پخپله ټپی شوی او څوی او ډرائیور یې مړه شوي دي ؛ په ټوله کې دا دریمه پېښه ده چې اسلامپال کاندیدان هم پکې نښه کیږي او دانصاف ګوند مشر بیا له ټاکنو څخه پنځه ورځې د مخه خپلې غونډې ته د ویناکولو لپاره د اوچتیدو پرمهال له ویناځاې څخه راولوید او سرېې سخت ټپي شوی چې لاتردامهاله په روغتون کې دی.

دپاکستان په تاریخ کې دلومړي ځل لپاره د ټاکنیز بهیر په دوران کې سلو تنو ته دمړو شوو شمېره پورته شوه. او دپاکستان حکومت به د ټاکنو له ورځې څخه درې ورځې وړاندې دتورخم لیار هم د ترافیکو پر مخ وتړي ، څو د ټاکنو په ورځ د ناامنۍ دپېښو مخه ددوی په عقیده ونیسي او ښایې د ټاکنو په ورځ (دمځ په یوولسمه نېټه) هم ګڼې د ناامنۍ پېښې رامینځته شي.

بلې خواته پاکستان ته راستون شوی پخواني پوځي واکمن پرویزمشرف هم پدې هیله وو چې دپاکستان له ګڼو سیمو څخه په ټاکنو کې برخه واخلي خو په نوموړي باندې د وژنو او ملي خیانت دګڼو تورونو واردیدو لامله اوس هغه په خپل کورکې نظر بند او محاصره دی او دځینو شنوونکو په وینا ښایې چې نوموړي یو ځل بیا له پاکستان څخه په وروستیو کې د یوې پټې معاملې له مخې ژوندي

۳مخ

از هشتاد سالگی دانشگاه کابل بزرگداشت گردید

تکساري

از هشتادمین سالروز تأسیس دانشگاه کابل بزرگداشت به عمل آمد. این مراسم با حضور حامد کرزی رئیس جمهور، وزاری کابینه، نمایندگان مردم در شورای ملی، استادان دانشگاه و دانشجویان افتتاح گردید.

رئیس جمهور ضمن یاد آوری از پیشنهٔ تاریخی و روابط افغانستان با دنیا از امضایی پیمان راهبردی با آمریکا نیز خبر داد. او گفت در صورتی که امریکا ضمانتی برای تقویت نیروهای مسلح و اقتصاد کشور ما بدهد حاضر هستیم ۹ پایگاه نظامی را در اختیار آنان قرار بدهیم.

سال ۱۳۱۱ هـ ش در تاریخ افغانستان نقطه عطف محسوب می شود. در این سال به کمک کشور ترکیه اساس و بنیاد تحصیلات عالی در کابل گذاشته شد و با تعداد ده تن از فارغان صنوف دوازدهم لیسهٔ حبیبیه دانشکدهٔ طب معاصر به وسیلهٔ استادان ترکی به پیش برده می شد که تا هم اکنون نام رفقی که در تاسیس این دانشکده موثر می باشد در یکی از دیوار های شفاخانهٔ علی آباد موجود است. بعد از این تاریخ تحصیلات عالی در کشور به فعالیت های خویش آغاز نمود و تا سال ۱۳۸۰ افغانستان دارای، چهار پوهنتون رسمی و با نام نشان داشت که عبارت بودند از: دانشگاه کابل، دانشگاه ننگرهار، دانشگاه مزارشریف و دانشگاه هرات و در شهر کابل انستیتوت طب کابل و پولی تخنیک در شهر کابل به سطح لیسانس شاگردان را آموزش می دادند. بعد از سال ۱۳۸۱ و توشیح و تنفیذ به وسیلهٔ لویه جرگهٔ قانون اساسی برای تحصیلات عالی و خصوصی مجال فعالیت داده شد و در ظرف ده سال تحصیلات عالی خصوصی و دولتی از نظر کمی رشد فراوان داشته است؛ طوری که هم اکنون بالاتر از ده ها موسسهٔ تحصیلات عالی خصوصی و دولتی فعالیت دارند و این پروسه در حال گسترش می باشد. بعد از انتظار زیاد هشتاد سالگی دانشگاه کابل بزرگداشت گردید و با تشریفات خاص و دور از انتظار اکثریت استادان و محصلان از این روز یاد بود به عمل آمد، هرچند تحصیلات عالی دارای کمیت بزرگ می باشد و ده ها هزار نسل جوان در دانشگاه های دولتی و خصوصی درس می خوانند؛ اما در بسیاری از موسسات تحصیلات عالی خصوصی و دولتی کیفیت وجود ندارد و این موسسات سرشار و تهی از کیفیت می باشد. در سال ۱۳۵۷ که تازه از دانشگاه کابل فراغت حاصل نموده بودم و یک سال را در لیسهٔ جرشاه بابای کشم به صفت معلم ایفای وظیفه می نمودم، شاگردان این لیسه به خصوص شاگردان صنوف دوازدهم از چنان آگاهی برخورد دار بودند که باید به مسوولان و اولیای معارف آن زمان مبارک گفت و آنان را مورد تمجید قرار داد. امروز شاگردانی که از همان لیسه و سایر لیسه های اطراف افغانستان به دانشگاه های دولتی و غیر دولتی راه می یابند، هیچ نوع قابل مقایسه نمی باشد. آنچه که دولت به آن افتخار می نماید، فقط در حد ارقام خلاصه می شود و از کیفیت خبری نیست. دانشگاه کابل از ظرفیت بزرگ علمی در منطقه برخورد دار است و روزی از بزرگترین

ص۷